

آیین نگارش رای داوری

ویژگی های اتقان آراء داوری

در میان آراء داوری، رایی از نظر حقوقی و شکلی صحیح و متقن محسوب می گردد که ویژگی های زیر را دارا باشد:

- ۱- دارای مقدمه و گردش کار باشد.
 - ۲- موجه و مدلل باشد. (دارای استدلال و استناد باشد)
 - ۳- از نظر قانونی قابل ابطال نباشد.
 - ۴- متکی به تحقیقات جامع و کافی باشد.
 - ۵- در مرحله اجرا قابل اجرا باشد.
 - ۶- دارای نثری روان و قابل فهم باشد.
 - ۷- قواعد نگارشی در انشاء آن رای رعایت شده باشد.
- در ادامه هر یک از ویژگی ها یاد شده فوق را توضیح می دهیم:

۱- رای داوری باید دارای مقدمه و گردش کار باشد:

از نظر شکلی هر رای داوری به ترتیب باید دارای مقدمه، گردشکار، اسباب موجهه و در نهایت حکمی صریح، مشخص و رسا باشد. در قسمت مقدمه مشخصات اصحاب دعوا، خواسته آنان، مشخصات مرجع داوری، شماره پرونده و تاریخ صدور رای نوشته می شود به بیان دیگر مقدمه رای شناسنامه رای داوری محسوب می گردد. در قسمت گردشکار باید روند رسیدگی از آغاز تا زمانی که رای صادر شده است به طور مختصر بیان گردد. به طور معمول در قسمت گردشکار خواسته های طرفین، دلایل و دفاعیات آنها و اقدامات انجام شده از سوی مرجع داوری ذکر می شود. رای که فاقد مقدمه یا گردشکار باشد رایی ناقص

محسوب می شود زیرا مخاطب رای یا کسی که آن را می خواند متوجه موضوع و نحوه رسیدگی مرجع داوری نشده و نمی تواند ارزیابی دقیقی از موضوع و تصمیم داور یا داوران داشته باشد.

۲- موجه و مدلل باشد. (دارای استدلال و استناد باشد)

یکی از مهم ترین شاخصه های یک رای داوری، توجیه رای و ذکر اسباب موجهه آن می باشد. از نظر حقوقی رای قوی، مستحکم و متقن محسوب می شود که دارای اسباب موجهه اقناع آور باشد. بر همین مبنا در ماده ۴۸۲ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است: رأی داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد. توجیه و استدلال تنها روشی است که به یک رای داوری ارزش علمی می دهد.

توجیه رای داوری با استدلال های قوی و منطقی در خصوص ارزیابی موضوع مورد اختلاف و با استناد به مواد قانونی که رایی بر اساس آنها صادر شده است صورت می گیرد.

استفاده از اصول عملیه و استناد به آنها در مواردی که دلیلی به مرجع داوری در راستای اثبات ادعا ارائه نمی گردد نیز می تواند در مستند سازی آرای داوری کارساز باشد. در قسمت پایانی این جزوه به برخی از اصول عملیه پر کاربرد و مهم اشاره شده است.

۳- از نظر قانونی قابل ابطال نباشد.

مواردی که رای داوری باطل بوده و قابلیت اجرایی ندارد در ماده ۴۸۹ قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده است. مفاد این ماده از اهمیت زیادی برخوردار بوده و برای اینکه رای داوری در دادگاهها باطل اعلام نشود، داور یا داوران در هنگام صدور رای همواره باید بندهای مختلف این ماده را مد نظر خود قرار دهند.

برابر ماده ۴۸۹ قانون آ.د.م: رأی داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد:

- ۱- رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد.
- ۲- داور نسبت به مطلبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده است.
- ۳- داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از

اختیارات داور است ابطال می گردد.

۴- رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.

۵- رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.

۶- رأی به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رای نبوده اند.

۷- قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد.

۴- متکی به تحقیقات جامع و کافی باشد.

مرجع داوری باید در طول رسیدگی خود، علاوه بر توجه به دلایل و خواسته های طرفین، تحقیقات لازم را در چهارچوب قوانین و در راستای روشن شدن قضیه به انجام رساند و رای متکی بر دلایل و اسناد ارائه شده و تحقیقات به عمل آمده صادر نماید. معاینه محل، استفاده از نظر خبرگان و کارشناسان و عند الزوم استعلاماتی که قانوناً داور مجاز به آن می باشد می تواند در صدور یک رای متقن راهگشا باشد.

۵- در مرحله اجرا قابل اجرا باشد.

هدف نهایی از صدور هر رأی "به جز مواردی که رای صرفاً اعلامی است"، اجرای آن برای رسیدن به نتیجه مطلوب می باشد. نتیجه نهایی هر رای در مقام رفع اختلاف، با اجرای آن بدست می آید و اصولاً اجرای رای باعث احقاق حق می گردد. لذا اگر رای داوری به نحوی صادر شود که قابل اجرا نباشد مثلاً مبهم یا نارسا باشد یا اینکه داور یا داوران به صورت کلی رای صادر نمایند که در مقام اجرا، مرجع اجرا نتواند آن رای را اجرا نماید هدف اصلی از رسیدگی و صدور رای محقق نخواهد شد.

۶- دارای نثری روان و قابل فهم باشد.

معمولاً زبان حقوقی، که در آراء داوری یا قضایی از آن استفاده می شود، در اکثر کشورها دشوار بوده و نثر سنگینی دارد. به گونه ای که اشخاص عادی و با داشتن سواد متعارف و معمولی به راحتی مفهوم و منطوق یک رای را درک نکرده و معنی بسیاری از اصطلاحات و

کلمات حقوقی را نمی دانند. به همین جهت داوران باید تا حد امکان از بکار بردن عبارات و اصطلاحات دشوار و سنگین حقوقی یا عربی خودداری نمایند. توضیح اینکه استفاده از معادل فارسی بسیاری از اصطلاحات در کنار برقراری یک ارتباط منظم و منطقی بین عبارات و جمله ها باعث خواهد شد تا رای داور از نثری روان و قابل فهم برخوردار گردد.

۷- قواعد نگارشی در انشاء آن رای رعایت شده باشد.

داوران باید در کنار اطلاعات حقوقی و قانونی راجع به داوری ، به قواعد دستوری و نگارشی زبان فارسی نیز تسلط داشته باشند. به عنوان مثال در نوشتن رای خود باید قواعد نشانه گذاری را رعایت نمایند. منظور از نشانه گذاری بکار بردن علائم و نشانه هایی است که موجب تسهیل خواندن و رفع ابهام نوشته شده و در نتیجه درک و فهم مطالب آن را آسان می سازد.

مقررات حاکم بر داوری:

داوری ها در حقوق کشور ما مشمول مقررات راجع به داوری در قانون آیین دادرسی مدنی می باشند. لذا مقررات داوری مندرج در این قانون را باید به عنوان قانون عام در موضوعات داوری دانست. توجه کافی و لحاظ این مقررات در هنگام صدور آراء داوری نقش مهمی در اتقان آراء داوری دارد. در کنار این مقررات، در قوانین بخش تعاون نیز ؛ نحوه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق تعاون پیش بینی شده است، که صلاحیت این مراکز از آن قوانین ناشی می شود.

بند ۹ ماده ۴۳ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران: « حل اختلاف و داوری در محدوده امور مربوط به تعاونیها بصورت کدخدامنشی و صلح اعضاء تعاونیها»

بند ۱۴ ماده ۵۷ قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران داوری در امور حرفه ای بین اشخاص حقوقی بخش تعاونی با یکدیگر و یا با سایر اشخاص حقیقی و حقوقی و نیز بین هر شخص حقوقی بخش تعاونی با اعضایش

از طریق مرکز داوری اتاق

تبصره ۶ ذیل ماده ۵۷ (الحاقی ۱۷/۰۲/۱۳۹۳) - نحوه تشکیل و فعالیت مرکز داوری اتاق تعاون بر اساس آیین نامه ای است که به تصویب مجمع عمومی اتاق تعاون ایران می‌رسد. ارجاع به داوری اتاق تعاون باید در اساسنامه همه اشخاص حقوقی تعاونی درج شود.

قانونگذار مقررات داوری را در مواد ۴۵۴ تا ۵۰۱ قانون آیین دادرسی مدنی بیان نموده است:

ماده ۴۵۴ - کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوا دارند می‌توانند با تراضی یکدیگر منازعه و اختلاف خود را خواه در دادگاهها طرح شده یا نشده‌باشد و در صورت طرح در هر مرحله‌ای از رسیدگی باشد، به داوری یک یا چند نفر ارجاع دهند.

ماده ۴۵۵ - متعاملین می‌توانند ضمن معامله ملزم شوند و یا به موجب قرارداد جداگانه تراضی نمایند که در صورت بروز اختلاف بین آنان به داوری مراجعه کنند و نیز می‌توانند داور یا داوران خود را قبل یا بعد از بروز اختلاف تعیین نمایند.

تبصره - در کلیه موارد رجوع به داور، طرفین می‌توانند انتخاب داور یا داوران را به شخص ثالث یا دادگاه واگذار کنند.

ماده ۴۵۷ - ارجاع دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی به داوری پس از تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس شورای اسلامی صورت می‌گیرد. در مواردی که طرف دعوا خارجی و یا موضوع دعوا از موضوعاتی باشد که قانون آن را مهم تشخیص داده، تصویب مجلس شورای اسلامی نیز ضروری است.

ماده ۴۵۸ - در هر مورد که داور تعیین می‌شود باید موضوع و مدت داوری و نیز مشخصات طرفین و داور یا داوران به طوری که رافع اشتباه باشد تعیین گردد. در صورتی که تعیین داور بعد از بروز اختلاف باشد، موضوع اختلاف که به داوری ارجاع شده باید به طور روشن مشخص و مراتب به داوران ابلاغ شود.

تبصره - قراردادهای داوری که قبل از اجرای این قانون تنظیم شده‌اند با رعایت اصل یکصد و سی و نهم (۱۳۹) قانون اساسی تابع مقررات زمان تنظیم می‌باشند.

ماده ۴۵۹ - در مواردی که طرفین معامله یا قرارداد متعهد به معرفی داور شده ولی داور یا داوران خود را معین نکرده باشند و در موقع بروز اختلاف نخواهند و یا نتوانند در معرفی داور اختصاصی خود اقدام و یا در تعیین داور ثالث تراضی نمایند و تعیین داور به دادگاه یا شخص ثالث نیز محول نشده‌باشد، یک طرف می‌تواند داور خود را معین

کرده به وسیله اظهارنامه رسمی به طرف مقابل معرفی و درخواست تعیین داور نماید و یا نسبت به تعیین داور ثالث تراضی کند. در این صورت طرف مقابل مکلف است ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه داور خود را معرفی و یا در تعیین داور ثالث تراضی نماید. هرگاه تا انقضای مدت یادشده اقدام نشود، ذی نفع می تواند حسب مورد برای تعیین داور به دادگاه مراجعه کند.

ماده ۴۶۰ - در مواردی که مقرر گردیده است حل اختلاف به یک نفر داور ارجاع شود و طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب داور تراضی نمایند و نیز در صورتی که داور یکی از طرفین فوت شود، یا استعفا دهد و طرف نامبرده نخواهد جانشین او را معین کند و یا در هر موردی که انتخاب داور به شخص ثالث واگذار شده و آن شخص از تعیین داور امتناع نماید یا تعیین داور از طرف او غیر ممکن باشد، هریک از طرفین می توانند با معرفی داور مورد نظر خود وسیله اظهارنامه از طرف مقابل درخواست نماید که ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه نظر خود را در مورد داور واحد اعلام کند و یا حسب مورد در تعیین جانشین داور متوفی یا مستعفی یا داوری که انتخاب او وسیله ثالث متعذر گردیده اقدام نماید. در صورتی که با انقضای مهلت، اقدامی به عمل نیاید، برابر قسمت اخیر ماده قبل عمل خواهد شد.

ماده ۴۶۱ - هرگاه نسبت به اصل معامله یا قرارداد راجع به داوری بین طرفین اختلافی باشد دادگاه ابتدا به آن رسیدگی و اظهار نظر می نماید.

ماده ۴۶۳ - هرگاه طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آنها شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند به عنوان داور رسیدگی کند و به داور یا داوران دیگری نیز تراضی ننمایند، رسیدگی به اختلاف در صلاحیت دادگاه خواهد بود.

ماده ۴۶۴ - در صورتی که در قرارداد داوری، تعداد داور معین نشده باشد و طرفین نتوانند در تعیین داور یا داوران توافق کنند، هریک از طرفین باید یک نفر داور اختصاصی معرفی و یک نفر به عنوان داور سوم به اتفاق تعیین نمایند.

ماده ۴۶۵ - در هر مورد که داور یا داوران، وسیله یک طرف یا طرفین انتخاب می شود، انتخاب کننده مکلف است قبولی داوران را اخذ نماید. ابتدای مدت داوری روزی است که داوران قبول داوری کرده و موضوع اختلاف و شرایط داوری و مشخصات طرفین و داوران به همه آنها ابلاغ شده باشد.

ماده ۴۶۶ - اشخاص زیر را هر چند با تراضی نمی توان به عنوان داور انتخاب نمود:

- ۱ - اشخاصی که فاقد اهلیت قانونی هستند.
- ۲ - اشخاصی که به موجب حکم قطعی دادگاه و یا در اثر آن از داوری محروم شده اند.

ماده ۴۶۸ - دادگاه پس از تعیین داور یا داوران و اخذ قبولی، نام و نام خانوادگی و سایر مشخصات طرفین و موضوع اختلاف و نام و نام خانوادگی داور یا داوران و مدت داوری را کتباً به داوران ابلاغ می‌نماید. در این مورد ابتدای مدت داوری تاریخ ابلاغ به همه داوران می‌باشد.

ماده ۴۶۹ - دادگاه نمی‌تواند اشخاص زیر را به سمت داور معین نماید مگر با تراضی طرفین:

- ۱ - کسانی که سن آنان کمتر از بیست و پنج سال تمام باشد.
- ۲ - کسانی که در دعوا ذی‌نفع باشند.
- ۳ - کسانی که با یکی از اصحاب دعوا قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند.
- ۴ - کسانی که قیم یا کفیل یا وکیل یا مباشر امور یکی از اصحاب دعوا می‌باشند یا یکی از اصحاب دعوا مباشر امور آنان باشد.
- ۵ - کسانی که خود یا همسرانشان وارث یکی از اصحاب دعوا باشند.
- ۶ - کسانی که با یکی از اصحاب دعوا یا با اشخاصی که قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم با یکی از اصحاب دعوا دارند، در گذشته یا حال دادرسی کیفری داشته باشند.
- ۷ - کسانی که خود یا همسرانشان و یا یکی از اقربای سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوا یا زوجه و یا یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارند.
- ۸ - کارمندان دولت در حوزه مأموریت آنان.

ماده ۴۷۰ - کلیه قضات و کارمندان اداری شاغل در محاکم قضایی نمی‌توانند داوری نمایند هرچند با تراضی طرفین باشد.

ماده ۴۷۲ - بعد از تعیین داور یا داوران، طرفین حق عزل آنان را ندارند مگر با تراضی.

ماده ۴۷۳ - چنانچه داور پس از قبول داوری بدون عذر موجه از قبیل مسافرت یا بیماری و امثال آن در جلسات داوری حاضر نشده یا استعفا دهد و یا از دادن رأی امتناع نماید، علاوه بر جبران خسارات وارده تا پنج سال از حق انتخاب شدن به داوری محروم خواهد بود.

ماده ۴۷۴ - نسبت به امری که از طرف دادگاه به داوری ارجاع می‌شود اگر یکی از داوران استعفا دهد یا از دادن رأی امتناع نماید و یا در جلسه داوری دوبار متوالی حضور پیدا نکند دو داور دیگر به موضوع رسیدگی و رأی خواهند داد. چنانچه بین آنان در صدور رأی اختلاف حاصل شود، دادگاه به جای داوری که استعفا داده یا از دادن رأی امتناع نموده یا دوبار متوالی در جلسه داوری حضور پیدا نکرده ظرف مدت ده روز داور دیگری به قید قرعه انتخاب خواهد

نمود، مگر این که قبل از انتخاب به اقتضاء مورد، طرفین داور دیگری معرفی کرده باشند. در این صورت مدت داوری از تاریخ قبول داور جدید شروع می شود.

در صورتی که داوران در مدت قرارداد داوری یا مدتی که قانون معین کرده است نتوانند رأی بدهند و طرفین به داوری اشخاص دیگر تراضی نکرده باشند، دادگاه به اصل دعوا وفق مقررات قانونی رسیدگی و رأی صادر می نماید.

تبصره - در موارد فوق رأی اکثریت داوران ملاک اعتبار است، مگر این که در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۴۷۵ - شخص ثالثی که برابر قانون به دادرسی جلب شده یا قبل یا بعد از ارجاع اختلاف به داوری وارد دعوا شده باشد، می تواند با طرفین دعوای اصلی در ارجاع امر به داوری و تعیین داور یا داوران تعیین شده تراضی کند و اگر موافقت حاصل نگردید، به دعوای او برابر مقررات به طور مستقل رسیدگی خواهد شد.

ماده ۴۷۶ - طرفین باید اسناد و مدارک خود را به داوران تسلیم نمایند. داوران نیز می توانند توضیحات لازم را از آنان بخواهند و اگر برای اتخاذ تصمیم جلب نظر کارشناس ضروری باشد، کارشناس انتخاب نمایند.

ماده ۴۷۷ - داوران در رسیدگی و رأی، تابع مقررات قانون آیین دادرسی نیستند ولی باید مقررات مربوط به داوری را رعایت کنند.

ماده ۴۸۰ - حکم نهایی یادشده در ماده (۴۷۸) توسط دادگاه ارجاع کننده دعوا به داوری یا دادگاهی که داور را انتخاب کرده است به داوران ابلاغ می شود و آنچه از مدت داوری در زمان توقف رسیدگی داوران باقی بوده از تاریخ ابلاغ حکم یادشده حساب می شود. هرگاه داور بدون دخالت دادگاه انتخاب شده باشد، حکم نهایی وسیله طرفین یا یک طرف به او ابلاغ خواهد شد.

داوران نمی توانند برخلاف مفاد حکمی که در امر جزایی یا نکاح یا طلاق یا نسب صادر شده رأی بدهند.

ماده ۴۸۱ - در موارد زیر داوری از بین می رود:

۱ - با تراضی کتبی طرفین دعوا.

۲ - با فوت یا حجر یکی از طرفین دعوا.

ماده ۴۸۲ - رأی داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد.

ماده ۴۸۳ - در صورتی که داوران اختیار صلح داشته باشند می‌توانند دعوا را با صلح خاتمه دهند. در این صورت صلح‌نامه‌ای که به امضای داوران رسیده باشد معتبر و قابل اجراست.

ماده ۴۸۴ - داوران باید از جلسه‌ای که برای رسیدگی یا مشاوره و یا صدور رأی تشکیل می‌شود مطلع باشند و اگر داور از شرکت در جلسه یا دادن رأی یا امضای آن امتناع نماید، رأی که با اکثریت صادر می‌شود مناط اعتبار است مگر این که در قرارداد ترتیب دیگری مقرر شده باشد. مراتب نیز باید در برگ رأی قید گردد. ترتیب تشکیل جلسه و نحوه رسیدگی و دعوت برای حضور در جلسه، توسط داوران تعیین خواهد شد. در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه بوده، دعوت به حضور در جلسه به موجب اخطاریه دفتر دادگاه به عمل می‌آید.

تبصره - در مواردی که طرفین به موجب قرارداد ملزم شده‌اند که در صورت بروز اختلاف بین آنان شخص یا اشخاص معینی داوری نماید اگر مدت داوری معین نشده باشد مدت آن سه ماه و ابتدای آن از روزی است که موضوع برای انجام داوری به داور یا تمام داوران ابلاغ می‌شود. این مدت با توافق طرفین قابل تمدید است.

ماده ۴۸۵ - چنانچه طرفین در قرارداد داوری طریق خاصی برای ابلاغ رأی داوری پیش‌بینی نکرده باشند، داور مکلف است رأی خود را به دفتر دادگاه ارجاع‌کننده دعوا به داور یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد تسلیم نماید.

دفتر دادگاه اصل رأی را بایگانی نموده و رونوشت گواهی شده آن را به دستور دادگاه برای اصحاب دعوا ارسال می‌دارد.

ماده ۴۸۶ - هرگاه طرفین، رأی داور را به اتفاق بطور کلی و یا قسمتی از آن را رد کنند، آن رأی در قسمت مردود بلااثر خواهد بود.

ماده ۴۸۷ - تصحیح رأی داوری در حدود ماده (۳۰۹) این قانون قبل از انقضای مدت داوری راساً با داور یا داوران است و پس از انقضای آن تا پایان مهلت اعتراض به رأی داور، به درخواست طرفین یا یکی از آنان با داور یا داوران صادرکننده رأی خواهد بود. داور یا داوران مکلفند ظرف بیست روز از تاریخ تقاضای تصحیح رأی اتخاذ تصمیم نمایند. رأی تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. در این صورت رسیدگی به اعتراض در دادگاه تا اتخاذ تصمیم داور یا انقضای مدت یادشده متوقف می‌ماند.

ماده ۴۸۸ - هرگاه محکوم‌علیه تا بیست روز بعد از ابلاغ، رأی داوری را اجرا ننماید، دادگاه ارجاع‌کننده دعوا به داوری و یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد مکلف است به درخواست طرف ذی‌نفع طبق رأی داور برگ اجرایی صادر کند. اجرای رأی برابر مقررات قانونی می‌باشد.

ماده ۴۸۹ - رأی داوری در موارد زیر باطل است و قابلیت اجرایی ندارد:

۱ - رأی صادره مخالف با قوانین موجد حق باشد.

۲ - داور نسبت به مطالبی که موضوع داوری نبوده رأی صادر کرده است.

۳ - داور خارج از حدود اختیار خود رأی صادر نموده باشد. در این صورت فقط آن قسمت از رأی که خارج از اختیارات داور است ابطال می گردد.

۴ - رأی داور پس از انقضای مدت داوری صادر و تسلیم شده باشد.

۵ - رأی داور با آنچه در دفتر املاک یا بین اصحاب دعوا در دفتر اسناد رسمی ثبت شده و دارای اعتبار قانونی است مخالف باشد.

۶ - رأی به وسیله داورانی صادر شده که مجاز به صدور رأی نبوده اند.

۷ - قرارداد رجوع به داوری بی اعتبار بوده باشد.

ماده ۴۹۰ - در مورد ماده فوق هریک از طرفین می تواند ظرف بیست روز بعد از ابلاغ رأی داور از دادگاهی که دعوا را ارجاع به داوری کرده یادادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل دعوا را دارد، حکم به بطلان رأی داور را بخواهد در این صورت دادگاه مکلف است به درخواست رسیدگی کرده، هرگاه رأی از موارد مذکور در ماده فوق باشد حکم به بطلان آن دهد و تا رسیدگی به اصل دعوا و قطعی شدن حکم به بطلان، رأی داور متوقف می ماند. **تبصره -** مهلت یادشده در این ماده و ماده (۴۸۸) نسبت به اشخاصی که مقیم خارج از کشور می باشند دو ماه خواهد بود. شروع مهلت های تعیین شده در این ماده و ماده (۴۸۸) برای اشخاصی که دارای عذر موجه به شرح مندرج در ماده (۳۰۶) این قانون و تبصره (۱) آن بوده اند پس از رفع عذراحتساب خواهد شد.

ماده ۴۹۱ - چنانچه اصل دعوا در دادگاه مطرح بوده و از این طریق به داوری ارجاع شده باشد، در صورت اعتراض به رأی داور و صدور حکم به بطلان آن، رسیدگی به دعوا تا قطعی شدن حکم بطلان رأی داور متوقف می ماند. **تبصره -** در مواردی که ارجاع امر به داوری از طریق دادگاه نبوده و رأی داور باطل گردد، رسیدگی به دعوا در دادگاه با تقدیم دادخواست به عمل خواهد آمد.

ماده ۴۹۲ - در صورتی که درخواست ابطال رأی داور خارج از موعد مقرر باشد دادگاه قرار رد درخواست را صادر می نماید. این قرار قطعی است.

ماده ۴۹۳ - اعتراض به رأی داور مانع اجرای آن نیست، مگر آنکه دلایل اعتراض قوی باشد. در این صورت دادگاه قرار توقف منع اجرای آن را تا پایان رسیدگی به اعتراض و صدور حکم قطعی صادر می نماید و در صورت اقتضاء تأمین مناسب نیز از معترض اخذ خواهد شد.

ماده ۴۹۴ - چنانچه دعوا در مرحله فرجامی باشد، و طرفین با توافق تقاضای ارجاع امر به داوری را بنمایند یا مورد از موارد ارجاع به داوری تشخیص داده شود، دیوان عالی کشور پرونده را برای ارجاع به داوری به دادگاه صادرکننده رأی فرجام خواسته ارسال می‌دارد.

ماده ۴۹۵ - رأی داور فقط درباره طرفین دعوا و اشخاصی که دخالت و شرکت در تعیین داور داشته‌اند و قائم‌مقام آنان معتبر است و نسبت به اشخاص دیگر تأثیری نخواهد داشت.

ماده ۴۹۶ - دعاوی زیر قابل ارجاع به داوری نیست:

۱- دعاوی ورشکستگی.

۲- دعاوی راجع به اصل نکاح، فسخ آن، طلاق و نسب.

ماده ۴۹۷ - پرداخت حق‌الزحمه داوران به‌عهد طرفین است مگر آن که در قرارداد داوری ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۴۹۸ - میزان حق‌الزحمه داوری براساس آیین‌نامه‌ای است که هر سه سال یک‌بار توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده ۴۹۹ - در صورت تعدد داور، حق‌الزحمه بالسویه بین آنان تقسیم می‌شود.

ماده ۵۰۰ - چنانچه بین داور و اصحاب دعوا قراردادی در خصوص میزان حق‌الزحمه منعقد شده باشد، برابر قرارداد عمل خواهد شد.

ماده ۵۰۱ - هرگاه در اثر تدلیس، تقلب یا تقصیر در انجام وظیفه داوران ضرر مالی متوجه یک طرف یا طرفین دعوا گردد، داوران برابر موازین قانونی مسؤول جبران خسارت وارده خواهند بود.

برخی از مواد مهم و کاربردی قانونی مدنی که بر حسب مورد در صدور آراء داوری می‌توان به آنها استناد نمود:

ماده ۳۰ قانون مدنی (اصل تسلیط): هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه‌گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

ماده ۳۵ قانون مدنی (اماره تصرف): تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

ماده ۱۹۰ قانون مدنی (شرایط صحت)

برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است:

۱- قصد طرفین و رضای آنها

۲- اهلیت طرفین

۳- موضوع معین که مورد معامله باشد

۴- مشروعیت جهت معامله

ماده ۲۱۸ قانون مدنی (بطلان معاملات صوری به علت فقدان قصد): هر گاه معلوم شود که معامله با قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده آن معامله باطل است.

معامله صوری: باطل معامله با قصد فرار از دین: در برابر طلبکار قابل استناد نیست.

ماده ۲۱۹ قانون مدنی (اصل لزوم قراردادها): عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد بین متعاملین و قائم مقام آنها لازم الاتباع است مگر اینکه به رضای طرفین اقاله یا به علت قانونی فسخ شود.

رای وحدت رویه شماره ۸۱۰ مورخ ۴/۳/۱۴۰۰ هیات عمومی دیوان عالی کشور

موضوع: در خصوص استرداد مبیع به بائع به علت اعمال حق فسخ ناشی از عدم پرداخت ثمن حتی در صورت انتقال مبیع.

مستفاد از مواد [۲۱۹](#)، [۲۲۰](#)، [۲۲۴](#)، [۲۲۵](#) و [۴۵۴](#) قانون مدنی، چنانچه در ضمن عقد بیع، شرط شود در صورت عدم پرداخت اقساط ثمن در مواعد تعیین شده، فروشنده حق فسخ و استرداد مبیع را دارد، با تحقق شرط و اعمال حق فسخ ولو اینکه خریدار بدون در نظر گرفتن حق فسخ، مبیع را به شخص دیگری فروخته باشد، مبیع باید به بائع مسترد شود و عدم اطلاع خریدار بعدی از شرط مذکور با توجه به درج آن در متن قرارداد، به اقتضای رفتار متعارف اشخاص و حق تقدم مالک، موجب بی اثر شدن شرط و زوال حق مالک اولیه نسبت به عین مال نخواهد بود. بنا به مراتب، رای شعبه شانزدهم دادگاه تجدیدنظر استان مازندران تا حدی که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص داده می شود. این رای طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با

اصلاحات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است. هیات عمومی دیوان عالی کشور

ماده ۲۲۷ قانون مدنی: (تأثیر قوه قاهره در مسئولیت متعهد) متخلف از انجام تعهد وقتی محکوم به تادیه خسارت میشود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده است که نمی توان مربوط به او نمود.

ماده ۲۳۰ قانون مدنی (وجه التزام): اگر در ضمن معامله شرط شده باشد که در صورت تخلف، متخلف مبلغی به عنوان خسارت تادیه نماید، حاکم نمی تواند او را به بیشتر یا کمتر از آن چه که ملزم شده است محکوم کند.

ماده ۲۸۳ قانون مدنی (اقاله یا تفاسخ) بعد از معامله طرفین میتوانند به تراضی آن را اقاله و تفاسخ کنند.

ماده ۲۸۴ قانون مدنی: اقاله به هر لفظ یا فعلی واقع میشود که دلالت بر بهم زدن معامله کند.

ماده ۳۳۸ قانون مدنی (تعریف بیع): بیع عبارت است از تملیک عین به عوض معلوم

(بیع عقدی است: تملیکی، معوض، لازم، اصولاً رضایی)

ماده ۳۶۲ قانون مدنی (آثار عقد بیع):

آثار بیعی که صحیحاً واقع شده باشد از قرار ذیل است:

- (۱) به مجرد وقوع بیع مشتری مالک مبیع و بایع مالک ثمن می شود.
- (۲) عقد بیع بایع را ضامن درک مبیع و مشتری را ضامن درک ثمن قرار میدهد.
- (۳) عقد بیع بایع را به تسلیم مبیع ملزم مینماید.
- (۴) عقد بیع مشتری را به تادیه ثمن ملزم می کند.

ماده ۳۹۱ قانون مدنی (مستحق للغیر در آمدن مبیع): در صورت مستحق للغیر بر آمدن کل یا بعض از مبیع، بایع باید ثمن مبیع را مسترد دارد و در صورت جهل مشتری به وجود فساد، بایع باید از عهده غرامات وارده بر مشتری نیز برآید.

اصل ۴۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (قاعده لاضرر): هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

اعمال اصول عملیه در صدور رای داور:

اصول عملیه، اصطلاحی است در اصول فقه به معنای قواعدی که در موارد بروز شک در تعیین حکم، وظیفه عملی قاضی (داور) را پس از آن که به دلیل و اماره‌ای (اماره) دست نیافت روشن می کند.

مهمترین اصول عملیه:

۱- اصل صحت:

قانون مدنی ایران به پیروی از فقه امامیه، اصل صحت را به صراحت پذیرفته است. برابر ماده ۲۳۲ قانون مدنی: «هر معامله‌ای که واقع شده باشد محمول بر صحت است، مگر این که فساد آن معلوم شود». به موجب این ماده، هرگاه پس از انجام معامله، یکی از طرفین، دعوای بطلان کند، دادگاه به استناد اصل صحت، معامله را محمول بر صحت دانسته، از مدعی بطلان، مطالبه دلیل می کند. و چنانچه مدعی بطلان، دلیلی بر اثبات ادعای خود ارائه ننمود اصل صحت را اعمال و آن قرارداد را صحیح اعلام می کند.

۲- اصل استصحاب:

اصل استصحاب به معنی، حکم به بقا وضعیتی است که قبلاً نسبت به آن، یقین وجود داشته است. در این حالت، فرد به وجود حالتی یقین دارد و بعد نسبت به بقا آن شک می کند. در این زمان با اصل استصحاب، می توان حکم به باقی ماندن وضعیت سابق داد. از شرایط و ارکان اصل استصحاب می توان به تقدم یقین بر شک، وحدت موضوع شک و یقین اشاره نمود.

مطابق ماده ۱۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی:

در صورتی که حق یا دینی برعهده کسی ثابت شد، اصل بر بقای آن است مگر این که خلاف آن ثابت شود. این ماده مبتنی بر استصحاب وجودی است زیرا «وجود دین» در زمان سابق مسلم بوده و سپس در بقاء آن شک و تردید می‌شود و وجود دین استصحاب می‌شود.

۳- اصل برائت:

اصل برائت در ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی، آمده است: "اصل برائت است، بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند، در غیر این صورت با سوگند خواننده حکم به برائت صادر خواهد شد."

۴- اصل عدم

اصل عدم این است که همه چیز از عدم به وجود و از نیستی به هستی آمده است. برای اثبات عدم، نیازی به دلیل نیست. کسی که مدعی وقوع یا وجود واقعه ای است او باید اثبات نماید. ماده ۳۵۹ قانون مدنی: هرگاه دخول شیئی در مبیع عرفا مشکوک باشد آن شیء داخل در بیع نخواهد بود مگر آنکه تصریح شده باشد. هرگاه دخول شیئی در مبیع عرفا مشکوک باشد آن شیء داخل در بیع نخواهد بود مگر آنکه تصریح شده باشد. ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی: هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع، مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر بر عهده او است.